



فصلنامه

سپری در دامپزشکی.

سال اول | شماره اول | پاییز نود و چهار

مدیر مسئول : ایمان حفار
سر دبیر : فاطمه رحیمی
سر دبیر فنی : سید محمد خیاطزاده
گرافیک : امیر محمد جان نثار
ویراستار : سهند شمس

هیئت تحریریه این فصل:

حمیده استیکی	سید محمد خیاطزاده	اسما السادات عمادی
امیر محمد جان نثار	فاطمه رحیمی	اعظم ملک محمدی
ناصر صالحی اردکانی	ایمان حفار	سعید سلطانی
محمد حقیقت بروجنی	حیدر حیدری	یگانه مهرانی
سیما منتظری بالاچاده	علی شکوهی	سعید نادری
مصطفی دهقانی اشکذری	سهند شمس	

با تشکر صمیمانه از تمامی اساتیدی که
مارا در انجمن علمی دامپزشکی و تهیه ی این فصل از مجله یاری نمودند:

دکتر محمدرضا اصلانی
دکتر فرید براتی
دکتر امین بیغم صادق
دکتر سعید حبیبیان
دکتر عبدالکریم زمانی مقدم
دکتر ناصر شمس
دکتر حمداله مشتاقی
دکتر امین نعمت الهی

سیری
در
دامپزشکی

A Search in
VETERINARY



فهرست :

سخن سردبیر	۲
سرمقاله	۳
بیوتروریسم در دامپزشکی	۴
حیوانات هم می توانند حرف بزنند !	۷
عوامل محیطی موثر بر کیفیت تخم مرغ	۱۱
شعور حیوانات	۱۳
ویژگی های ماهی تازه	۱۵

انسان و حیوان قرن هاست که به هم دیگر وابسته هستند این وابستگی از حیث غذا و تامین بسیاری از نیاز هاست این نیاز ها دو طرفه هستند تقریباً می توان گفت از روزی که انسان پا بر زمین گذاشت زندگی اش با حیوانات پیوند داشته، حیوانات خوراک، پوشاک، بسیاری از لوازم زندگی انسان را تامین می کنند و در قبال این همه خدمت فقط نیاز به غذا دارند و مراقبت ...
چقدر قانع!

در زمان قدیم افرادی که اسب داشتند آنها را صاحب بزرگی و قدرت می پنداشتند نگهداری احشامی مانند گاو و گوسفند را نشانه برکت و روزی مالک آن می دانستند. سگ را پاسدار خانه می دانستند. جالب است بدانید ایرانیان نخستین افرادی بودند که در دوران کهن از حیوانات نگهداری می کردند. نژاد آریایی به پرورش احشام اشتغال داشتند. ایرانیان نخستین افرادی بودند که حقوق حیوانات را در دنیا رعایت می کردند. طولانی ترین سوره قرآن به نام حیوان است. در قرآن حتی نام حشره برای سوره ای گذاشته می شود. به نظر من خداوند اشاره می کند که من تمام جهان را آفریدم از مورچه ای کوچک تا فیلی که در سپاهیان ابرهه وجود دارد، از پرنده ای به نام ابابیل تا ماهی بزرگی که یونس پیامبر را در شکم خود جای می دهد. شگفت انگیز تر اینکه در قرآن خوک را نجس می داند اما دستور به کشتار آن نمی دهد، اما ریختن خون ظالمان را جهاد در راه خدا می داند. به یاد داشته باشیم حیوانات حقوقی هم دارند که گاهی با بی رحمی تمام زیر پا گذاشته می شود اما با تمام ظلمی که بشر در حق آن هاست، باز هم آرام و بی دریغ، برکت وجودشان را به انسان می بخشند. خداوند در آیات قرآن می فرماید:

أُولَئِكَ يَرْوُّوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيْرٌ
آیا پرندگانی را که بالای سرشان گاه بالهای خود را گسترده و گاه جمع می کنند نگاه نکردند؟ جز خداوند رحمان کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی دارد چرا که او به هر چیز بینا است.

کلام این آیه به ما می فهماند که حیوانات نشانه ای بر وجود خالق آگاه و حکیم اند، در حقیقت یکی از راه های شناخت خداوند توجه به آفریده های اوست...

با این همه تعریف تنها رشته ای که در ایران به تقابل این روابط بین انسان و حیوان می پردازد دامپزشکی است. نکات علمی، بیماری های مشترک بین انسان و حیوانات و جذابیت تحقیقات نوین در این عرصه، اصلاح ژنی و هزاران شگفتی علمی دیگر در زمینه ی روابط انسانی حیوانی ما را بر این داشت تا با انتشار یک نشریه هر چند کوچک مخاطبان این دسته از اطلاعات که عمدتاً دانشجویان دامپزشکی و زیر شاخه های آن هستند را در حد توان خود آگاه سازیم. در این راه از یاری صمیمانه ی افراد زیادی بهره مند شدیم که شایسته است از زحمات تمامی آن ها قدر دانی و تشکر کنیم دوستانی که قبل از ما این راه را رفتند اما تحصیل فرصت تکمیل را از آن ها گرفت استاد عزیز و گرانقدر و پرتلاشمان دکتر امین نعمت الهی که بزرگوارانه هدایتگر ما بودند و هستند و هدف امروزمان را به سخنان ایشان مدیونیم. به امید روزی که بتوانیم زحمات بی دریغ شان را آنگونه که شایسته است پاسخ گوئیم. در اولین گام از این تلاش بزرگ تنها امیدواریم قدم های کوچک توسعه گرمان با عشق راهگشای حضورمان در سطح دانشگاه با نشریه ی سیری در دامپزشکی باشد تا این رشته ی پر کاربرد و همه جانبه بیشتر و بهتر شناخته شود.

ما آنگونه ایم که خدا می خواهد، و او هست، خدا با ماست

نوشتن را از اینجا آغاز میکنم جایی که آغازین واژه ها قلم زده می شوند و متنی بسیار واقع بینانه که شاید خواندن آن خالی از لطف نباشد را پیشکش شما خواننده ی عزیز میکنم...

این نوشته بینشی است از یغما گلروبی

مدت ها به زندگی مرغ و خروس ها فکر می کردم که در ماشین های جوجه کشی مرغ داری ها سر از تخم بیرون می آورند و بعد از سه چهار هفته در صورت خروس بودن روانه ی بخش سر بری می شوند تا سر از تنشان جدا شود و اگر مرغ باشند به بخش تخم گذاری برده می شوند و در قفس هایی انفرادی که درست به اندازه ی بدن آنها ساخته شده چند سال را سپری می کنند و در هر روز دو تخم دو زرده می گذارند... همین! تمام زندگی مرغ ها در همین زایش مدام بدون عشق خلاصه می شود و به گمانم بیشترین آن مرغ ها این آرزو را دارند که خروس زاده می شدند تا به لطف تیغ بخش کشتار مرغداری زود تر از نعمت این حیات انفرادی و طولانی و عذاب آور محروم شوند! به مرغ یاغی فکر می کردم که لجبازانه اعتصاب غذا می کند یا مدام خود را به دیوار های قفس می کوبد تا تخم نازاده اش در شکم بشکند و انقدر به این خود زنی آزادی خواهانه ادامه می دهد تا مسئول جمع آوری تخم ها ذله شده و او را هم به بخش کشتار روانه کند! چه قهرمان هایی در مرغداری ها سر بریده شدند بی آنکه کسی از بودنشان با خبر شود. نگاه که می کنم جهان امروز ما هم نمونه ای از همین مرغداری هاست کودکانمان پیش از بادبادک با کامپیوتر آشنا می شوند و قبل از هفت سالگی میلیون ها دشمن فرضی را با مسلسلی فرضی در بازی های کامپیوتریشان نابود می کنند و همین به آنها کمک می کند تا سربازان بهتری شوند و ماشه را راحت تر به روی دشمنی این بار حقیقی بچکانند بعد از آن وارد نظام آموزشی می شوند که این دوران مانند آغاز دوران قفس و سه چهار هفته ی آزادی مرغ ها و خروس هاست چرا که در نظام های آموزشی تو مرغی هستی در تنگنای استخوان شکن باید ها و نباید ها و قوانین جهانی که سعی دارند همه چیز را فرموله و طبقه بندی کنند.

در انتهای چرخه ی آموزش تو برای زنده بودن مجبوری شغلی برای خود پیدا کنی و این شغل هم تو را همچنان از قفسی به قفسی تنگ تر می کشاند هر چه محدوده ی داد و ستدی تو وسیع تر باشد قفسی که در آن محبوسی تنگ و تنگ تر می شود در نظر داشته باش که جامعه سهم خود را به صورتی مداوم همانند همان تخم مرغ ها از تو طلب می کند از قفسی به قفسی نقل مکان می کنی تا رسیدن به سال های کهولت و به قولی باز نشستگی که در آن دوران دیگر از تو چیزی نمانده تا زندگی را آنگونه که در جوانی می توانستی دریابی و مصرف کنی مانند مرغ سر بریده ای هستی که راه می رود و نفس می کشد اما بیرون از قفس یارایی تخم گذاری و آفرینش گری با او نیست.

محیط غیر فعال نشوند و حداکثر زیان را وارد نمایند .

بدیهی است که نیروهای نظامی ، تنها جمعیت در معرض خطر برای حملات بیولوژیک نیستند بلکه اقشار مختلف در معرض خطر بوده و به منظور دفاع در مقابل اثرات ناتوان کننده بالقوه یک حمله ، نیازمند کسب آگاهی نسبت به اصول اساسی همه گیرشناسی عوامل مورد استفاده در جنگ بیولوژیک می باشند طبق نظر کارشناسان سازمان بهداشت جهانی W.H.O در حال حاضر ۱۷ کشور جهان قابلیت تولید چنین موادی را دارند. تولید مواد بیولوژیک بالنسبه ارزان بوده، به طوری که به عنوان بمب اتمی فقرا یا PMAB نامیده شده است.

تولید ، استفاده و انتشار یک سلاح بیولوژیکی بسیار ارزان تر از بمب اتم بوده و کمتر احساسات جهانیان را بر می انگیزد. و البته استفاده از این سلاح ها تا حدودی برای تروریست ها بی خطر می باشد. معمولا مشاهده پاتوژن ها و مقابله بر علیه آنها مشکل است به عنوان مثال در صورت انتشار عامل اسهال در آب یک منطقه تا دوره کمون سپری شود و علائم بیماری ظاهر شود چند روز طول می کشد که فرصت مناسبی برای تروریست ها است تا به اهداف خود برسند.

انتقال عوامل هم از کشوری به کشور دیگر به وسیله مسافر های معمولی آسان به نظر می رسد به عنوان مثال قرار دادن پودر میکروب سیاه زخم در داخل کپسول به عنوان دارو و حمل آن به مناطق مورد نظر.

امنیت غذایی و سلامت غذا یا ایمنی غذا (food immunity) همواره یکی از مهمترین دغدغه های مطرح مردم ، دولت ها و سازمان های بین المللی به ویژه در کشورهای در حال توسعه که آهنگ رشد جمعیت از شتاب بیشتری برخوردار است، می باشد.

بر پایه اعلام سازمان بهداشت جهانی W.H.O از میان ۱۷۰۹ عامل بیماریزا و عفونی ۸۳۲ عامل (۴۹٪) و از میان ۱۵۶ بیماری نوپدید ، ۱۱۴ مورد آن (۷۳٪) از حیوانات به انسان منتقل می شوند. از آنجا که مخزن این بیماری ها عمدتا حیوانات و یا فراورده های آنهاست ، استراتژی مقابله با این بیماریها در جمعیت دامی قرار دارد و بر این اساس سازمان دامپزشکی مسئولیت های گسترده و متعددی عهده دار می باشد.

بیوتروریسم ، سوء استفاده از عوامل میکروبی ، ویروسی ، انگلی یا فراورده های آنها به منظور ارباب یا هلاکت انسان ها و نابودی دام ها یا گیاهان می باشد. عوامل بیوتروریسم معمولا از جمله عوامل ایجاد کننده بیماری های مهم و خطرناک در انسان هستند و اغلب این عوامل مشترک بین انسان و دام هستند . در حملات بیوتروریستی از عوامل ویروسی ، باکتریائی و انگلی استفاده گردیده است. معمولا عوامل مورد استفاده در بیوتروریسم در طبیعت یافت می شوند که البته برای استفاده از آن ها گاه لازم است تا میزان بیماری زائی آن ها افزایش یابد . گاه این عوامل بیماری زا باید در برابر داروها و سموم مقاوم سازی شوند تا براحتی در

این عوامل بیماری زا از راه های مختلفی در جوامع هدف مورد استفاده قرار می گیرند. انتشار عوامل بیماری زا در هوا، آب، مواد غذایی، انواع مواد کنسرو شده، اسباب بازی، پاکت نامه، هدایای پستی، حشرات ناقل، خون و... سابقه داشته است. استفاده از عامل بیوتورریسم بر اساس اهداف تروریست ها تعیین می گردد. در صورتی که تروریسم قصد گسترش وسیع بیماری را داشته باشد از عواملی نظیر آبله انسانی استفاده می کند که به راحتی از فردی به فرد دیگر منتقل می شود و باعث آلودگی وسیع می شود و در صورتی که قصد آن مورد هدف قراردادن شخص خاصی باشد از عواملی نظیر انتراکس (سیاه-زخم) استفاده می کند.

مقایسه میزان ناتوانی و مرگ ناشی از انتشار عمدی:

سازمان بهداشت جهانی تخمین زده است که پراکنده کردن ۵۰ کیلوگرم اسپور سیاه زخم در طول یک مسیر ۲ کیلومتری در یک منطقه با جمعیت ۵۰۰۰۰۰ نفر موجب ۱۲۵۰۰۰ مورد عفونت و ۹۵۰ مورد مرگ میشود که در مقایسه با سایر جنگ افزارها تلفات بیشتری دارد. این سازمان، تخمین زده است که در تعقیب آزاد سازی ۱۰۰ کیلوگرم افشانه حاوی اسپور سیاه زخم بر فراز شهر واشنگتن، حدود ۱۳۰ هزار تا ۳ میلیون نفر به هلاکت خواهند رسید که قابل مقایسه با قدرت تخریبی یک بمب هیدروژنی میباشد. نگاهی به حادثه همه-گیری سیاه زخم تنفسی در سال ۱۹۷۹ در روسیه که طی آن ۶۶ نفر، جان خود را از دست دادند هم نشان دهنده قدرت تخریبی اسپور سیاه زخم، به عنوان یک سلاح بیولوژیک است و هم دلیل واضحی بر این مدعا که سلاح های بیولوژیک را از سال ها

قبل ساخته و به مقادیر فراوانی انبار کرده اند. مهمترین عواملی که تا کنون در بیوتورریسم از آنها استفاده شده عبارتند از:

- شاربین یا سیاه زخم
- بوتولیسم
- آبله
- تولارمی
- تب خونریزی دهنده کریمه کنگو
- تاریخچه بیوتورریسم

از زمان روم باستان استفاده از بیوتورریسم شناخته شده است به صورتی که حیواناتی که مرده بودند و یا در اثر بیماری تلف شده بودند به منظور گسترش بیماری و ضربه زدن به طرف مقابل بر روی دیوار خانه فرد مورد نظر و یا در آب آشامیدنی آن ها انداخته می شد. آلوده کردن آب با مدفوع به منظور مریض کردن ارتش مقابل و ضربه زدن به آن نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در قرن ۱۴ از طاعون تب خیارکی bubonic plague برای ضربه زدن به دشمن استفاده شد که موجب ایجاد وحشت از عفونت در سربازان گردید و سبب باز شدن دروازه ها و ورود نیروهای مهاجم به شهر شد.

در این زمان عدم وجود داروهای موثر برای کنترل بیماری بعد از رسیدن به هدف سبب محدود شدن استفاده از عوامل بیماریزا می-شد چرا که در صورت انتشار بیماری در نیروهای دشمن نیروهای خودی نیز درگیر همان بیماری می شدند. استفاده از سلاح های بیولوژیک به بیش از سیصد سال قبل از میلاد مسیح بر می گردد که رومی ها چاه های اطراف شهر را توسط لاشه های حیوانات مرده آلوده می کردند تا سربازان دشمن از آن ها نوشیده، بیمار و یا تلف شوند. در سال ۱۳۴۴ میلادی در اثر پرتاب جسد افراد فوت شده بعلت طاعون به داخل قلعه تاتارها تعداد زیادی از آن ها قبل از هرگونه جنگی در اثر ابتلا

به طاعون از بین رفتند. در بین سلاحهای کشتار دسته جمعی، سلاحهای بیولوژیکی در مقایسه با سلاح های شیمیایی از قبیل گاز اعصاب مخرب ترند.

در بعضی از شرایط سلاحهای بیولوژیکی میتواند به اندازه بمبهای هسته ای ویرانگر باشد و علی رغم منع تولید سلاح های بیولوژیکی در معاهده ژنو که در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ به امضاء کشورهای عضو رسید، شواهدی دال بر تولید و انبار اینگونه سلاح ها توسط بعضی از کشورها از وجود دارد.

در سال ۱۹۹۰ احتمالاً مراکز متعددی در شوروی جهت تولید عامل طاعون وجود داشته است و حداقل دو عامل بیولوژیکی شامل یرسینیاپستیس و واریولای ماژور به اندازه کافی تولید و در موشک های بالستیک قاره پیما پر شده بودند. عراق تولید سلاح های بیولوژیک را حداقل از سال ۱۹۷۲ شروع کرده است.

گاهها استفاده از عوامل بیوترونیستی برای غلبه بر دشمن در جنگ ها سبب گسترش بیماری در مناطقی می شد که تا کنون بیماری در آن ها وجود نداشته است. با گذشت زمان دید نسبت به استفاده از این عوامل تغییر کرد که این تغییر با بدست آمدن تکنولوژی های جدید و امکان کشت و خالص سازی عوامل پاتوژن و بیماریزا در آزمایشگاه بود. تولید سلاح های بیولوژیکی موثرتر و هدفمندتر در قرن اخیر موجب بروز نگرانی های بسیار زیادی گردیده است.

استفاده از عامل ایجاد کننده سیاه زخم در سال های اخیر به دلیل تولید آسان آن، انتقال آسان آن به منطقه هدف و مرگ و میر بالای آن و همچنین راحتی ریشه کنی آن بعد از رسیدن به هدف باعث شده تا سیاه زخم به عنوان اولین انتخاب مورد

استفاده قرار گیرد. انواع مختلف میکروب باسیلوس انتراسیس در مناطق مختلف جهان به راحتی در دسترس است و مزیت دیگر آن عدم توانائی میکروب در انتشار از منطقه ای به منطقه دیگر است.

بدلیل عدم مهارسازی درست عوامل مورد استفاده در بیوترونیسم، این سلاح هنوز به عنوان سلاح از سوی دولت ها و تروریست ها مورد استفاده وسیع قرار نگرفته است. اغلب حملات ثبت شده بیوترونیستی بر علیه اشخاص بوده اند و کمتر هدف جمعیت های انسانی گسترده بوده است. به هر حال با گسترش تکنولوژی و روش های کشت و تکثیر پاتوژن های بیماری زا به نظر می رسد در آینده یکی از مهمترین نگرانی های دولت ها و ملت ها حملات بیوترونیستی باشد.

به امید روزی که بشر به کاربرد سالم و بهینه ی منابع طبیعی و غیر طبیعی پی ببرد.

منبع :

وبلاگ دامپزشک ،
دکتر رضا صاحبی

حیوانات هم می توانند حرف بزنند!



این پرنده همچنین می تواند تا عدد ۶ را بشمارد و بین رنگ ها و شکل ها تمایز قایل شود. همچنین

می تواند کلمه ها را به هم وصل کند و معانی تازه به وجود بیاورد و مفاهیم انتزاعی نسبت مانند بزرگ تر، کوچک تر، رو و زیر را هم درک می کرد. الکس در شب مرگش در سن ۳۱ سالگی به صاحبش، ایرنه پربرگ که روانشناس حیوانات هم هست گفت: «خوب باش. فردا می بینمت. من تو را دوست دارم.»

از چیسر، سگ مرزی تا اکی کامای دلفین، حیوانات آزمایشگاهی زیادی از گونه های مختلف وجود دارند که تا به حال توانسته اند تا حد قابل توجهی در زبان انسان ها پیشرفت کنند و به واسطه درکی که از این زبان پیدا

کوکو نام گوریلی است که در حدود ۲۰۰۰ کلمه از زبان انگلیسی را می فهمد. او از نظر فیزیولوژیکی قابلیت پاسخ دادن به صورت کلامی را ندارد، اما این گوریل ۴۰ ساله، می تواند با استفاده از متدی برگرفته از زبان نشانه آمریکایی، آنچه را فکر می کند تصویر کند و در واقع از زبان انسان ها برای برقراری ارتباط استفاده کند. اگر زبان هایی را که او در جامعه خود از آنها استفاده می کند هم به حساب بیاوریم، در واقع کوکو سه زبانه است.

کوکو فقط در مورد خوردنی صحبت نمی کند. به گزارش دیسکاوری، پنی پترسون که در مورد گوریل ها تحقیق می کند طی مطالعات ۲۸ ساله خود بر روی کوکو در مورد طیف وسیعی از هیجان ها که انسان ها می توانند تجربه کنند صحبت می کند، مثل شادی، غمگینی، عشق، سوگواری و خجالت.



gorilla



sorry



Koko



love



ask



hungry



eat



visit



drink



flower



tickle



good

می کنند، با انسان ها رابطه برقرار کنند. اما با این وجود انسان ها در این راه خیلی از حیوانات عقب تر هستند و به ندرت متوجه زبان حیوانات می شوند. ما نمی توانیم به

اما کوکو در این مورد یک استثنا نیست. الکس نام یک طوطی خاکستری آفریقایی است که ۱۵۰ کلمه انگلیسی را تا قبل از مرگش در سال ۲۰۰۷/۱۳۸۶ یاد گرفته بود.

زبان حیوانات با آن‌ها رابطه برقرار کنیم. البته مطمئناً، برای انسان به عنوان باهوش‌ترین گونه باید یادگیری زبان دلفین‌ها، در مقایسه با یادگیری زبان انسان‌ها برای دلفین‌ها، ساده‌تر باشد. پس چرا ما به جای این که سعی کنیم زبان خودمان را به حیوانات بیاموزیم، راهی برای یاد گرفتن زبان حیوانات پیدا نمی‌کنیم؟

در واقع دانشمندان زیادی در حال تحقیق در این زمینه هستند. آن‌ها امیدوارند که روزی بتوانند زبان دلفین‌ها، فیل‌ها، گوریل‌ها، سگ‌ها و خلاصه همه حیوانات را بیاموزند. یکی از دانشمندان اخیراً موفق شده تا حد زیادی زبان سگ‌های دشتی (سنجاب مرغزار) را رمزگشایی کند. اما در این راه، یک مانع بسیار بزرگ وجود دارد که کل کار را به تاخیر می‌اندازد، آن هم این باور است که حیوانات اصلاً زبانی ندارند که ما بخواهیم آن را یاد بگیریم.

مارک بکف، استاد اکولوژی و زیست‌شناسی تحولی در دانشگاه کلرادو و از بنیانگذاران درمان‌های اخلاقی برای حیوانات (به همراه جین گودال، نخستی‌شناس) در این باره می‌گوید: «بر سر این موضوع بحث داغی وجود دارد، چون هنوز مردمانی هستند که اصرار دارند باید انسان را به کلی از سایر گونه‌ها جدا کرد. بنابراین، اگر به سراغ کار روی حیاطه ارتباطات حیوانات بروید و متوجه نشانه‌ای بشوید که حاکی از وجود یک سیستم ارتباطی و چیزی شبیه به زبان باشد، این گروه اصرار دارند که آن را انکار کنند و خواهند گفت که چنین چیزی نیست.»

زبان سگ دشتی (سنجاب مرغزار) کنستانتین اسلوبودشیکف شاید در گذر از این مانع از بقیه جلوتر باشد.

وی استاد بازنشسته زیست‌شناسی از دانشگاه آریزونای شمالی است و دهه‌ها عمر خود را صرف رمزگشایی سیستم ارتباطی سگ‌های دشتی کرده است، گونه‌ای که بومی منطقه فورکوزرز در جنوب غرب آمریکا هستند. آن‌ها برخلاف نامشان، از خانواده سگ‌ها نیستند و در واقع از جمله جوندگان محسوب می‌شوند و برای هوششان هم معروف نیستند. اما تا به حال، اسلوبودشیکف و همکارانش طی چندین کتاب و مقاله در سه دهه اخیر، شواهد محکمی ارائه داده‌اند که نشان می‌دهد این موجودات از زبان پیچیده‌ای برخوردارند. همچنین خود وی می‌تواند بخش زیادی از این زبان را بفهمد.

سگ‌های دشتی وقتی یک شکارچی می‌بینند، همدیگر را با صدایی در گام بالا خبر می‌کنند. برای گوشی که با این صداها آشنا نباشد، هر صدایی که سگ‌های دشتی از خود در می‌آورند، شبیه دیگری به نظر می‌رسد، در حالی که با هم متفاوتند.

اسلوبودشیکف این صدای هشدار را سنگ روزتا نامیده است. وی صداهای هشدار و نیز رفتارهای فرار در پاسخ به این هشدارها را ضبط و نام‌گذاری کرده است. سپس، وقتی خطر شکارچی در کار نیست، همین صداهای هشدار را پخش کرده و از رفتارهای سگ‌های دشتی فیلم‌برداری کرده است.

وقتی رفتارها در هر دو حالت دقیقاً یکسان باشند، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که به اطلاعات مهمی در زمینه رمزگشایی زبان سگ‌های دشتی رسیده‌ایم. و در واقع همین اتفاق هم افتاد. همچنین وی کشف کرد که سگ‌های دشتی برای هر گروه شکارچی، هشدار متفاوتی دارند، مثلاً در مورد گرگ‌های صحرایی، انسان‌ها یا سگ‌های اهلی.

همچنین هشدار بر اساس رنگ، اندازه و شکل شکارچی فرق دارد. یعنی صدای هشدار وقتی شکارچی یک مرد قد بلند سنگین وزن با لباس آبی باشد، با زمانی که یک مرد لاغر و کوتاه با لباس سبزرنگ باشد، متفاوت است.

یکی از یافته‌های بسیار جالب محققین در این زمینه این بود که سگ‌های دشتی در مواجهه با یک موجود بیگانه جدید، یک هشدار جدید به کار می‌برند. مثلاً وقتی محققین یک جسم بیضی‌شکل بزرگ و سیاه را وارد منطقه زندگی آن‌ها کردند، سگ‌های دشتی از یک صدای هشدار تازه استفاده کردند. آن‌ها نیازی نداشتند که در این مورد با هم بحثی داشته باشند یا به توافق نظری برسند. بنابراین به نظر می‌رسد که موجود جدید را توصیف می‌کنند و در مورد اندازه، شکل و رنگ آن از شیوه‌ای استاندارد استفاده می‌کنند.

همچنین اسلوبودشیکف به این نتیجه رسیده که مانند انسان‌ها که زبان‌های مختلف دارند، گروه‌های سگ‌های دشتی هم از گویش‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. مثلاً سگ‌های دشتی گونیسون نمی‌توانند معنای صداهای سگ‌های دشتی مکزیکی را بفهمند.

سیستم ارتباطی سگ‌های دشتی تنها به صداهای هشدار محدود نمی‌شود.

اسلوبودشیکف در این باره می‌گوید: «سگ‌های دشتی در بین خود چیزی دارند که من اسم آن را گپ زدن‌های اجتماعی گذاشته‌ام. وقتی یکی زنجیره‌ای از صداها را تولید می‌کند و یکی دیگر از میانه جمع، با زنجیره‌ای دیگر از صداها جواب می‌دهد. من می‌توانم بگویم که آن‌ها پیامی رد و بدل می‌کنند. اما چون تغییری در رفتارشان نمی‌بینم، نمی‌توانم بگویم که در

مورد چه چیزی به تبادل پیام پرداخته‌اند. در مورد گپ زدن‌های اجتماعی، من هیچ امکانی برای درک محتوا ندارم.»



صحبت کردن دلفین‌ها

اگر موجود ساده‌ای مانند یک جونده می‌تواند از اسم‌ها و صفت‌ها استفاده کند و گویش‌های مختلفی داشته باشد، فکر کنید موجوداتی با توانمندی‌های بالاتر ممکن است چه چیزهایی در زبان خود داشته باشند.

فیل‌ها برای مردگان خود مراسم سوگواری برپا می‌کنند و حتی در مواردی از صداهای هماهنگ در زمان یورش به دهکده‌های انسان‌ها استفاده کرده‌اند. در واقع حیوانات پیچیده، لزوماً به زبان برای برقراری ارتباط نیاز دارند. به گفته یکی از محققین، مردم تعجب می‌کنند که گرگ‌ها چه‌طور این‌قدر در شکار هماهنگی دارند. اما آن‌ها در واقع یک سیستم ارتباطی پیچیده دارند.

دلفین‌ها را در نظر بگیرید. آن‌ها گروه‌های اجتماعی قوی تشکیل می‌دهند و مطالعات اخیر نشان داده که به نوعی از فرهنگ برخوردارند. آن‌ها تمایل به برقراری ارتباط با دلفین‌هایی دارند که از ابزار مشابهی استفاده می‌کنند. همچنین صداهای بسیار متنوعی دارند، که به نظر نمی‌رسد بدون معنا باشند. آیا ما هیچ‌وقت می‌فهمیم که آن‌ها چه می‌گویند؟

دانشمندان نیم قرن است که برای رسیدن به چنین هدفی تلاش می‌کنند. استان کوتساژ، مدیر آزمایشگاه شناخت و رفتار پستانداران دریایی در دانشگاه جنوب می‌سی‌سی‌پی در این باره می‌گوید: «ما در مقایسه با دهه‌های پیش، اطلاعات بسیار بیشتری داریم، اما هنوز تا رسیدن به یک تعامل دوطرفه راه درازی در پیش داریم.» به گفته وی، بزرگ‌ترین مانع در حال حاضر این است که نمی‌دانیم واحدهای زبانی دلفین‌ها چیست.

در زبان‌های انسانی، صداهای تک‌بخشی و صوت‌ها واحدهای سازنده زبان هستند. اما در مورد دلفین‌ها چه‌طور؟ همچنین به گفته محققین، ما می‌دانیم که دلفین‌ها از حالات بدنی و لمس هم استفاده می‌کنند. کوتساژ می‌گوید: «حدس من این است که با مطالعه مراحل رشد زبان در بچه‌دلفین‌ها، می‌توانیم به واحدهای زبانی آن‌ها برسیم. سپس مرحله بعدی این خواهد بود که بفهمیم ترکیب آن‌ها با هم چه معنایی دارد.

به باور کوتساژ ما بالاخره می‌توانیم این رمز را کشف کنیم. این در حالی است که جاستین گرگ، از محققین یک مرکز مطالعه دلفین بین‌المللی به نام پروژه ارتباط دلفین معتقد است که دلفین‌ها اصلاً واحدهای زبانی ندارند. وی می‌گوید: «بعد از ۵۰ سال مطالعه ارتباط دلفین‌ها، به نظر نمی‌رسد که آن‌ها از واحدهایی شبیه به کلمه استفاده کنند. بنابراین، موضوع مثل زمانی که یک زبان خارجی یاد می‌گیرید یا کتیبه‌های باستانی را می‌خوانید نیست و نمی‌توان صداهای دلفین‌ها را در جستجوی واحدهای زبانی رمزگشایی کرد. دلیلش هم این است که سیستم برقراری ارتباط در بین حیوانات با زبان انسان‌ها بسیار متفاوت است.

زبان دلفین‌ها، دارای مواردی مانند آن‌چه ما به عنوان نشانه‌ها و دستور زبان در زبان‌های انسانی می‌شناسیم نیست. در حال حاضر هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم عملکرد سیستم ارتباطی دلفین‌ها شبیه به ساختار زبانی انسان‌ها است و در نتیجه، ما باید بدانیم که با یک زبان برای یاد گرفتن مواجه نیستیم.»

اما کدام فرضیه درست است؟ به زودی زبان دلفین‌ها را خواهیم فهمید یا اصلاً زبانی در کار نیست؟ تنها زمان به ما پاسخ خواهد داد. با این همه، اگر سگ‌های دشتی می‌توانند یک جسم غیرطبیعی را این‌قدر راحت توصیف کنند، چرا دانشمندان انتظار نداشته باشند که تعداد زیادی از سایر موجوداتی که به طور اجتماعی زندگی می‌کنند، چنین توانایی داشته باشند.



منبع:

خلاصه‌ای از مقاله‌ی زبان آموزی حیوانات، نوشته‌ی هاگ واگنر و سباستین هالیدی

می گردد اما تاثیرش بر وزن زرده بعد از ۴ تا ۵ روز مشخص شده و وزن آن کاهش می یابد.

اثر دما بر کیفیت آلبومین

بر خلاف دیدگاه رایج، اگر تخم مرغ به مدت زمان کوتاهی در دمای بالا قرار نگیرد آلبومین اولیه کیفیت پایینی خواهد داشت هر چند اگر بلافاصله بعد از تخم گذاری، برداشت آن انجام نگیرد به دلیل دمای بالای محیط، ارتفاع و حجم آلبومین کاهش می یابد.

اثر دما بر کیفیت پوسته

به خوبی محرز شده که افزایش دمای محیط موجب کاهش کیفیت پوسته می گردد. تمامی لایه های پوسته به جز پرده آن تحت تاثیر افزایش دمای محیط واقع می شوند. تکامل تخم مرغ در غده پوسته ای زمانی که دمای محیط ۳۲ درجه سانتی گراد است نزدیک به ۲ ساعت طولانی تر از زمانی خواهد بود که دما ۲۱ درجه سانتیگراد باشد. به جز زمان عوامل دیگری نیز در کاهش تشکیل و رسوب پوسته در دمای ۳۲ درجه سانتی گراد موثر هستند از جمله اینکه به دلیل افزایش دما عروق گشاد شده، خون کمتری به فولیکول های تخمدانی و غده پوستهای می رسد و در نتیجه عملکرد آن ها کاهش می یابد.

به دنبال افزایش دمای محیط، دمای بدن افزایش می یابد و به دنبال آن له له زدن و آکالوز تنفسی به وجود می آید. در این

نقش برخی از عوامل محیطی نظیر دما، رطوبت نسبی و روشنایی بر مرغ تخم گذار به خوبی شناخته شده است هر چند عواملی مانند شرایط محل نگهداری، شکل و ابعاد قفس، سیستم توزیع غذا و تراکم بر کیفیت و میزان تخم مرغ تولیدی تاثیر گذارند. در این بخش به بررسی اثر افزایش دما بر کیفیت تخم مرغ می پردازیم.

اثر دما بر وزن تخم مرغ و سایر اجزای آن افزایش دمای محیط موجب کاهش وزن تخم مرغ می گردد که به ازای هر یک درجه سانتی گراد افزایش دما، وزن تخم مرغ ۰.۹۸ - ۰.۱۷ گرم دچار کاهش می گردد و به طور کلی میانگین وزن تخم مرغ به ازای هر یک درجه سانتی گراد افزایش دما ۰.۴ گرم کاهش می یابد.

در برخی از مطالعات با افزایش دمای محیط مشاهده شد که نسبت زرده به آلبومین تغییر نمی یابد در حالی که در سایر موارد، زرده و آلبومین نسبت به میانگین وزن تخم مرغ به ترتیب افزایش و کاهش وزن داشتند ولی در تمامی مطالعات، وزن پوسته بیش تر از سایر اجزا تحت تاثیر افزایش دمای محیط واقع شد. زمانی که دما کمتر از ۳۵ درجه سانتیگراد باشد ماده خشک متمرکز در زرده و آلبومین تغییر نمی کند اما با عبور دما از ۳۵ درجه سانتیگراد مقدار آن کاهش می یابد. با افزایش دمای محیط مرغ های جوان تا ۳۶ درجه سانتی گراد حجم چربی های زرده به میزان کمی کاهش می یابد. اثر دما بر وزن پوسته و آلبومین به محض ایجاد شرایط، مشخص

خواهد بود تا کلسیم و سایر مواد ریز مغذی مورد نیاز خود را تامین کند.



موقعیت، ابتدا حجم کربن دی اکسید خون کاهش یافته به دنبال آن حذف خارجی یون های بیکربنات که PH خون را در حد نرمال نگه می دارند، اتفاق می افتد. که این، محدود شدن تبدلات یونی را در غده پوسته ای به دنبال دارد و موجب کاهش ضخامت پوسته تخم مرغ می گردد. حجم کلسیم خون به دلیل اتصال به اسیدهای آلی (لاکتات و پیرووات) یا پروتئین ها کاهش، فعالیت آنزیم انیدراز کربنیک در غده پوسته ساز و کلیه ها کاهش و وزن غده پاراتیروئید افزایش می یابد.

روش های کاهش اثر دما بر کیفیت پوسته تخم مرغ

روش های متفاوتی برای تنظیم و اصلاح بی نظمی بالانس اسید - باز وجود دارند که می توان از آن ها برای جبران کاهش جذب غذا استفاده نمود تا ماده ای که مرغ برای ساخت تخم مرغ نیاز دارد به روش های دیگر به بدن رسانده شود. این روش ها برای جبران کمبود بی کربنات و کربن دی اکسید در خون پیشنهاد می گردند آب کربناته اثری مثبت دارد در حالی که افزودن بیکربنات سدیم به غذا بیهوده است. هوای غنی شده با کربن دی اکسید به دلیل افزایش ظرفیت بافوری خون به هنگام اسیدوز شدید بر کیفیت پوسته تخم مرغ اثری مثبت دارد و به صورت هم زمان موجب کاهش کیفیت آلبومین می گردد که این روش به دلیل تداخلی که با سیستم تهویه ایجاد می نماید چندان توصیه نمی گردد. برای کاهش اثرات زیان بار استرس گرمایی، می توان طیور را با مواد غذایی غنی سازی شده، تغذیه نمود که با افزودن منابع کلسیمی نظیر پوسته آهکی صدف به جیره غذایی، مرغ قادر

منبع :

Egg Quality - Current problems and-recent advances,
Poultry science symposium 20,
RGWells and CGBelyavin

بر اساس حکمت و مبانی دین اسلام تمامی موجودات عالم هدفمند خلق شده‌اند و بر اساس همین آموزه‌ها حیوانات به عنوان تشکیل دهنده بخش عظیمی از موجودات آفرینش دارای ویژگی‌هایی هستند.

آیه ۳۸ از سوره «انعام» در مورد این موضوع سخن می‌گوید که در ادامه به متن، ترجمه و بخشی از مفاهیم مرتبط با آن پرداخته می‌شود.

متن آیه:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ
بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّمٌ أَمْثَالِكُمْ مَا قَرَطْنَا فِي
الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

ترجمه آیه:

"هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم، سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند."

قرآن توجه خاصی به زندگی حیوانات دارد و از یادآوری خلقت، شعور و صفات آنها در راه هدایت مردم استفاده می‌کند.

و فِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِقَوْمٍ
يُوقِنُونَ {جائیه آیه ۴}

و در آفرینش خودتان و آنچه از (انواع) جنبنده (ها) پراکنده می‌گرداند، برای مردمی که یقین دارند نشانه‌هایی است."

در روایات و تجارب انسانی هم نمونه‌های فراوانی درباره‌ی شعور و درک حیوانات به چشم می‌خورد و برای یافتن شباهت‌ها و آشنایی با زندگی حیوانات، باید اندیشه و دقت داشت.

از آیات و روایات و تجارب برمی‌آید که شعور، ویژه انسان نیست. از جمله:

حضرت سلیمان (ع) همراه با سپاهیان‌شان از منطقه‌ای عبور می‌کردند، مورچه‌ای به سایر مورچگان گفت: "فوری به خانه‌هایتان بروید، تا زیر پای ارتش سلیمان له نشوید." (سوره «نمل» آیه ۱۸)

شناخت دشمن، جزو غریزه‌ی مورچه است، ولی اینکه می‌فهمد این شخص نامش سلیمان و همراهانش ارتش اویند، این بالاتر از غریزه است.

هدهد در آسمان از شرک مردم زمینی مطلع شده و نزد سلیمان (ع) گزارش می‌دهد که مردم منطقه‌ی "سبأ"، خداپرست نیستند، آنگاه ماموریت ویژه‌ای می‌یابد، شناخت توحید و شرک و زشتی شرک و ضرورت گزارش به سلیمان پیامبر (ع) و ماموریت ویژه‌ی پیام‌رسانی، مساله‌ای بالاتر از غریزه است.

این که هدهد در جواب بازخواست حضرت سلیمان (ع) از علت غایب بودنش عذری موجه و دلیلی مقبول می‌آورد، نشانه شعوری بالاتر از غریزه است.

اینکه قرآن می‌گوید:

"همه موجودات، تسبیح‌گوی خدایند ولی شما نمی‌فهمید"، (سوره «اسراء» آیه ۴۴)

تسبیحی تکوینی نیست، زیرا آن رامامی فهمیم، پس قرآن تسبیح از نوع دیگری را می‌گوید.

با توجه به آیات قرآنی و آنچه در واقع شاهدش هستیم حیوانات هم مانند انسان شعور و درک دارند اگرچه این درک و شعور در حدود انسان نیست اما در جای خود قابل احترام است یادمان باشد به زمین آمدیم تا انسان بودن را در راستای کمال بیاموزیم نه این که مانعی باشیم برای کمال سایر گونه ها.



در آیات قرآن، سجده برای خدا، به همه موجودات نسبت داده شده است:

{ ولله يسجد ما فى السموات و ما فى الارض } («نحل» آیه ۴۹)

"تمام آنچه در آسمان ها و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می کنند"

پرنندگان در نمایش نظامی حضرت سلیمان(ع) شرکت داشتند.

{ و حشر لسليمان جنوده من الجن و الانس و الطير } («نمل» آیه ۱۷)

حرف زدن پرنندگان با یکدیگر و افتخار حضرت سلیمان(ع) به اینکه خداوند، زبان پرنندگان را به او آموخته است.
{ علمنا منطق الطير } («نمل» آیه ۱۶)

{ و اذا الوحوش حشرت } (سوره «تکویر» آیه ۵) محشور شدن حیوانات را در قیامت مطرح می کند .

آیه { و الطير صافات كل قد علم صلاته و تسبيحه } (سوره «نور» آیه ۴۱) نشانه‌ی شعور و عبادت آگاهانه‌ی حیوانات است.

وجود وفا در برخی حیوانات، از جمله سگ نسبت به صاحب خانه و فرزندان‌ش. تعلیم سگ شکاری و سگ پلیس برای کشف قاچاق، یا خرید جنس، نشانه‌ی آگاهی خاص آن حیوانات است.

اسلام از ذبح حیوانات در برابر چشم حیوان دیگر، نهی کرده است که این نشانه شعور حیوان نسبت به ذبح و کشتن است.

منبع:

کتاب دقایقی با قرآن، تالیف حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی،

ناشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، نوبت چاپ پانزدهم زمستان سال ۱۳۹۰

نوع و میزان ترکیبات بافت دارای شاخصه های مناسب برای معرفی شان به عنوان غذای سلامت هستند و در واقع همه آن ها ویژگی های لازم برای ارتقای سطح سلامت افراد را دارا هستند. در کنار این موضوع باید توجه داشت که قیمت ماهی در بازار، تابع کیفیت آن نیست. یعنی الزاماً یک ماهی گران قیمت دارای خواص تغذیه ای بهتری نسبت به یک ماهی ارزان قیمت نیست.

آیا مصرف ماهی های شور، کنسرو شده یا دودی را توصیه می شود؟

کنسرو انواع ماهی علاوه بر آنکه مشمول استاندارد اجباری است، برای قابلیت تولید باید پروانه بهداشتی را از وزارت بهداشت اخذ کند. بنابراین کنسروهایی که دارای این مشخصه ها نباشند مورد تایید نبوده و غیر مجاز هستند. در انواع مجاز، سلامت کالا توسط تولیدکننده تضمین می شود، مشروط بر آنکه قوطی کنسرو خریداری شده علایم فساد و خرابی را نداشته باشد، مثلاً بادکردگی سر و ته کنسرو، نشستی آن و وجود علایم زنگ زدگی در محل اتصال در قوطی به بدنه می تواند از علایم ناسالم بودن کنسرو باشد. در عین حال برای رفع نگرانی های احتمالی و کاهش خطر، کارخانجات کنسرو و متخصصین به مردم توصیه می کنند، کنسرو را قبل از باز کردن به مدت ۲۰ دقیقه در آب در حال جوشیدن، بجوشانند و بعد مصرف کنند. اما انواع ماهی شور و دودی جدای از بحث بهداشتی و پزشکی آنها و مضراتشان برای سلامت مصرف کنندگان، از نظر تغذیه ای نیز به علت

برای شناسایی ماهی تازه راه های زیادی وجود دارد اما بهترین راه، شناسایی از طریق چشم و عضله ماهی است. چشم ماهی تازه باید محدب بوده و کاملاً براق و مردمک آن کاملاً به رنگ سیاه و عاری از کدورت و یا رنگ های شیری و سفید باشد. با ماندن ماهی در شرایط نامناسب و یا در اثر کهنه شدن آن، حالت محدب چشم به تدریج از بین رفته و در شرایط فساد، کاملاً در حدقه فرو رفته و حتی از بین می رود. مردمک از رنگ سیاه به رنگ شیری و سفید در آمده و براقیت و تلالو چشم نیز از میان می رود. در مورد عضله نیز، عضله ماهی تازه، دارای واکنش بوده و بعد از وارد کردن فشار انگشت، و برداشتن آن، سریعاً جای انگشت را پر می کند و در اصطلاح خاصیت ارتجاعی دارد. در ماهی مانده این خاصیت بسیار ضعیف شده و در ماهی کهنه اصلاً وجود ندارد.

نکات قابل توجه

آیا ماهی هایی که با تفاوت قیمت مختلف عرضه می شوند از لحاظ درصد مواد مغذی متفاوتند؟

در برخی موارد، از لحاظ نوع مواد مغذی موجود در ماهی ها و کیفیت پروتئینی تفاوت هایی بین ماهی های مختلف دیده می شود، مثلاً ماهی های آب های جنوب از نظر میزان مواد معدنی و به خصوص ید غنی تر از ماهی های دریای خزراند، همچنین ماهی های پر چرب از نظر مقدار اسیدهای چرب امگا ۳ غنی تر از ماهی های کم چرب هستند. اما تمام گونه های ماهی از نظر

تولیدشان به روش سنتی، دارای مشکلات بهداشتی هستند و با شرایط فعلی تولید به مصرف‌کنندگان توصیه نمی‌شوند.

بهترین مکان برای تهیه ماهی

به طور کلی هر مکانی که مجوز عرضه آبزیان را داشته باشد و اصول نگهداری آن‌ها را رعایت کند، برای تهیه آبزیان مناسب است. در حال حاضر اماکن دارای مجوز عرضه آبزیان به طور مرتب به وسیله کارشناسان دامپزشکی کنترل می‌شوند. در مکان‌های عرضه، ماهی تازه باید در زیر پوشش مناسبی از یخ و ماهی منجمد در فریزر نگهداری شوند. آماده‌سازی ماهی هم پیش از درخواست مشتری ممنوع بوده و تکه‌های باقیمانده ماهی‌های بزرگ مثل ماهی شیر که احتمال فروش تمامی آن‌ها در یک نوبت به یک مشتری نمی‌رود نباید در معرض هوای آزاد قرار گیرد. خریداری آبزیان از فروشندگان دوره‌گرد و دست‌فروشان و خودروهای فاقد سردخانه و مجوز عرضه نیز توصیه نمی‌شود.



منبع:

روزنامه همشهری

سوگند نامه دامپزشکی .

اکنون که به پیشه مقدس دامپزشکی گام می نهیم سوگند یاد می کنم، با محافظت از سلامت حیوانات و کاهش درد و رنج آنها، کوشش برای حفظ منابع حیات دام ها، تلاش در بهبود بهداشت همگانی و پیشبرد دانش دامپزشکی و مبارزه با بیماری های مشترک انسان و حیوان، دانش علمی و مهارت های خود را در راستای مصالح جامعه به کار گیرم. من در انجام وظایف حرفه ای خود همواره به وجدان، شرف و اصول اخلاقی علم دامپزشکی پایبند خواهم بود. تعهد می کنم همواره برای پیشبرد روزافزون دانش و شایستگی حرفه ای خود کوشا باشم.

Being admitted to the profession of veterinary medicine:

I solemnly dedicate myself and the knowledge , I possess to the benefits of society , to the conservation of our livestock resources and to the relief of suffering animals.

I will practice my profession conscientiously with dignity.

The health of my patients , the best interest of their owners and the welfare of my fellowman will be my primary consideration .

I will at all time be human and temper pain with anesthesia , where indicated .

I will not use my knowledge contrary to the lows of humanity nore in contraversion to the ethical code of my profession .

I will uphold and strive to the advance , the honor and noble traditions of the veterinary profession. The pledge I make freely in the eye of God and upon my honor .



A Search in
VETERINARY
سیری در دامپزشکی



- فصلنامه سیری در دامپزشکی از مطالب علمی و خواندنی اساتید، دامپزشکان، کارشناسان و دانشجویان محترم استقبال می نماید.
- مسئولیت صحت و سقم مطالب صرفاً به عهده نویسنده و یا مترجم می باشد.
- فصلنامه در رد، پذیرش و اصلاح مطالب آزاد است.
- نشانی : شهر کرد - دانشگاه شهر کرد - دانشکده علوم پایه - دفتر انجمن علمی دانشجویی دامپزشکی